

هویت ملی در شعر دفاع مقدس

منوچهر لک *

E-mail: manoochehr_lak@yahoo.com

چکیده:

دوران هشت سال دفاع مقدس یکی از گسترده‌ترین حوزه‌های تفکر، اندیشه و پژوهش را فراروی اندیشمندان و پژوهشگران این کشور قرار داده است، تا ابعاد پیچیده و ناشناخته‌ای از فرهنگ و ارزش‌های اصیل مذهبی و ملی مردم ایران را مورد پژوهش قرار دهند. مقاله‌ی حاضر تلاشی است در این حوزه، که سعی دارد تأثیر جنگ هشت ساله را بر مقوله‌ی هویت‌سازی فرهنگ ایرانی در شعر، بررسی نماید. طرح مباحث مربوط به هویت ایرانی در شعر دفاع مقدس، سبب ترویج اندیشه‌های مهرورزی به میهن و تقویت روحیه‌ی دفاع از آن شد و شعر، به‌عنوان وسیله عمده‌ای برای تجلی مبانی هویت ایرانی مطرح گردید که نوع نگرش انسان ایرانی را به دنیای پیرامون خود نشان می‌دهد.

کلید واژه‌ها: هویت، هویت ملی، دفاع، شعر دفاع مقدس، سرزمین ایران

مقدمه

در هنگامه‌ای که جهان به دهکده‌ای کوچک تبدیل می‌شود، ملت‌ها به دنبال راه‌کاری هستند که هویت ملی خود را حفظ کنند. ایرانیان نیز ضمن بازشناسی و واکاوی هویت خود در پی آن هستند تا هویت خود را در مقابل این هجمه‌ی عظیم فرهنگی حفظ نمایند.

شاعران در حوزه‌ی شعر دفاع مقدس به حفظ بن‌مایه‌های فرهنگ اسلامی ایران پرداخته و آن را به یکی از پایه‌های دوام هویت ایرانی تبدیل نموده‌اند. اشعار مربوط به دفاع مقدس به نوعی بیانگر نظریه‌های دینی و ملی مردم ایران‌زمین در مورد هویت‌شان است. این اشعار به مثابه‌ی گونه‌ای پربار و پرثمر از گونه‌های هنر و ادبیات مردمی است که حامل مؤلفه‌ها، نشانه‌ها و کارکردهای معنی‌دار در آفرینش، نگهبانی و عرضه‌ی عناصر هویت ایرانی است.

در این اشعار، جلوه‌های مشترک فرهنگ‌های قومی و بومی و حتی وارداتی، استحاله شده و تبدیل به اراده‌ی با هم زیستن می‌شود. به مدد این آثار، نشانه‌ها و نمادهای بسیار جذاب و نیرومندی را می‌یابیم که هم‌دلی و هم‌آهنگی و پیوندهای مشترک میان افراد این سرزمین را یادآور می‌شوند.

تأثیرگذاری اشعار دفاع مقدس در فرهنگ دینی و ملی، مثبت و سودبخش بوده و پاسخی است به نیازهایی مانند: حفظ هویت ملی، ایجاد همبستگی قومی، تحکیم باورهای مذهبی، ساماندهی رفتارهای اجتماعی، ایجاد و تقویت تحرک اجتماعی و

تجربه‌ی هشت‌ساله‌ی دفاع مقدس، خاطره‌ای فراموش نشدنی از حافظه‌ی تاریخی مردم این سرزمین است که نقطه‌ی اشتراک اعتقاد معنوی و سربلندی ملی ایرانیان محسوب می‌شود؛ بنابراین، شایسته است، آثار خلق شده در این موضوع را چون آینه‌ای برای همیشه در برابر دیدگان آیندگان قرار داد تا یادآور مبانی هویتی و سربلندی ملت ایران باشد.

الف) تعریف مفاهیم

۱- هویت

هویت، واژه‌ای برگرفته از زبان عربی است که مرکب از دو بخش «هُوَ» ضمیر غایب و «یت» سازنده‌ی مصدر جعلی است. فارسی زبان‌ها این واژه را معادل واژه‌ی انگلیسی

"Identity" استفاده می‌کنند. هویت از مفاهیم بنیادین علوم اجتماعی، به‌ویژه جامعه‌شناسی فرهنگی است و مثل دیگر مفاهیم علوم اجتماعی، تعریف قابل وفاق از آن ارایه نشده است و می‌توان آن را به معنی چیستی و در پاسخ به پرسش ماهیت دانست.

اندیشمندان حوزه‌های متفاوت، سطوح مختلفی از هویت را طرح کرده‌اند. به‌عنوان مثال روان‌شناسانی مانند «پیاژه»^۱، «کولبرگ»^۲، «فروید»^۳ و «اریکسون»^۴ اساس تکوین هویت انسان را در مراحل مختلف رشد او می‌دانند و معتقدند که عدم شناخت صحیح از هویت یا اختلال در یکی از مراحل رشد، نوعی «هویت پریشی» و یا «تعویق روانی - اجتماعی»^۵ و اختلال در شخصیت را ایجاد می‌کند. هویت در این تعریف از سطح فردی آغاز شده و با عبور از لایه‌ی اجتماعی در احساس «هویت ملی»^۶ - که عالی‌ترین سطح هویت می‌باشد - به تکامل می‌رسد.

جامعه‌شناسان، هویت را احساسی می‌دانند که فرد در جامعه به آن دست می‌یابد و با تکیه بر اشتراکات یا تفاوت‌هایی که با گروه‌های دیگر دارد، به درک احساس هویت مستقل می‌رسد. در این تعریف، افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود، از افراد و جماعات دیگر متمایز می‌شوند.

برقراری و متمایز ساختن نظام‌مند نسبت‌های شباهت و تفاوت میان افراد، میان جماعت‌ها و میان افراد و جماعت‌هاست که اصول پویای هویت و زندگی اجتماعی را می‌سازد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۷).

برخی از مترادف‌هایی که برای این واژه استفاده می‌شوند عبارتند از «این همانی»، «هماندی»، «انطباق»^۷، «ماهیت»^۸، «شخصیت»^۹ و «گوهر یا ذات»^۱ (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۵:

۱- Piaget

۲- Kohlberg

۳- Freud

۴- Erikson

۵- Psychosocial Moratorium

۶- National Identity

۷- Identification

۸- Essence

۹- Personality



: ۱۹۰ و بریجانیان، ۱۳۷۱: ۲۸۳).

هویت در ابعاد فردی، پاسخ به سؤال «من کیستم؟» و در بعد اجتماعی پاسخ به پرسش «ما کیستیم؟» می‌باشد.

پاسخ دادن به این پرسش‌ها، مستلزم داشتن آگاهی از خود و جامعه‌ی خود است و شناخت خود بدون شناخت از دیگران و اصولاً درک حضور دیگری یا دیگران در کنار خود ممکن نیست. بنابراین، برای رسیدن به شناخت، باید از درک هویت فردی آغاز کرد و سپس با دریافت هویت اجتماعی به شناخت «هویت ملی» نایل شد.

۲- هویت ملی

مطالعه‌ی تاریخی گواهی می‌دهد که مسأله‌ی هویت ملی، همراه با مسأله‌ی ملیت در جامعه‌ی ایرانی از اواخر قرن نوزدهم میلادی و اوایل جنبش مشروطیت توسط برخی تجددخواهان و روشنفکران مطرح شد و به زبان فارسی راه یافت. این واژه در نظام سیاسی جهان پس از شکل‌گیری نظام‌های بین‌المللی کشورهای جهان در یکی دو قرن اخیر شکل گرفته است. هویت ملی در ایران، به تدریج همراه با تغییر ساختار طبقاتی و بافت فرهنگی شکل گرفت و در ادبیات سیاسی مطرح شد. هویت ملی، زمانی در علوم سیاسی و علوم اجتماعی به عنوان یک مفهوم برجسته خودنمایی کرد که اراده‌ی مردم بر این قرار گرفت که از هویت خود در مقابل ملت‌های دیگر آگاه شوند و آن را با اهداف سیاسی - فرهنگی یا اقتصادی - اجتماعی به کار گیرند (لک، ۱۳۸۴: ۲۴).

مفهوم ملت^۱ که یک مفهوم سیاسی است، به اشکال مختلف تعریف شده است؛ برخی ملت را گروهی از انسان‌ها می‌دانند که در یک قلمرو و سرزمین مشترک زندگی می‌کنند و دولت و سازمان سیاسی مشترکی دارند و گروهی دیگر وحدت زبان و ادبیات و مذهب یا گذشته‌ی تاریخی مشترک را معیار تعریف ملت می‌دانند (رواسانی، ۱۳۸۰: ۱۱).

بنابراین، می‌توان هویت ملی را امری ارادی دانست که از متن جامعه بیرون می‌آید و بر سر آن وفاق ملی وجود دارد؛ به تعبیر دیگر هویت ملی عبارت است از: اراده با هم زیستن که از دیرباز در سرزمینی مشخص و میان افرادی مشخص ایجاد شده و موجب

۱- Substance

۲- Nation

تمتایز شدن آن افراد از ملت یا ملت‌های دیگر شده است. افراد با تمسک به این هویت، خود را به دیگران می‌شناسانند. نباید فراموش کرد که هویت در همه‌ی ابعاد خود، امری ثابت و یک پایه نیست و بنابر شرایط زمانی و مکانی خاص، تغییر می‌یابد. از سوی دیگر، نگاه همه‌ی جوامع و ملت‌ها نیز به مقوله‌ی هویت ملی، ثابت نیست؛ بلکه، برخی از ملت‌ها روی عنصری خاص تکیه‌ی بیشتری دارند. خلاصه‌ی کلام این‌که: افرادی که در یک قلمرو جغرافیایی (سرزمین مشترک) زندگی می‌کنند، از طریق یک سرنوشت مشترک تاریخی همراه با سایر ویژگی‌ها و مؤلفه‌های هویت ملی آگاهانه به احساس مشترک هویت ملی دست می‌یابند. در ایران اقوام مختلف، با زبان‌های گوناگون، فرهنگ‌های متفاوت، دین‌ها و مذاهب مختلف (شیعه، سنی، اقلیت‌های دینی) با هم در سرزمینی به نام «ایران» زندگی می‌کنند. اراده‌ی با هم زیستن و زندگی کردن در ایران قرن‌هاست که این افراد را به هم نزدیک ساخته است. هنگامی که عراق به‌عنوان کشوری مهاجم (که در دین، زبان و قومیت، با برخی از ایرانی‌ها مشترک است) به این سرزمین تجاوز می‌کند، همه‌ی ایرانی‌ها به دفاع از سرزمین و هویت ایرانی خویش برمی‌خیزند. به‌عنوان مثال؛ ایرانیان عرب خوزستان که در دین، قومیت و زبان با عرب‌های عراقی مشترک هستند به سرزمین مادری خویش پشت نکرده و به دفاع از کیان اسلامی و ایرانی خود برخاسته و سال‌ها با دشمن متجاوز یعنی به مبارزه پرداخته و سرانجام سرزمین خود را - که با هویت ایرانی پیوند خورده است - حفظ کردند؛ زیرا، در همه‌ی آن‌ها حس هویت ملی وجود داشته و دارد و این همان اراده‌ی با هم زیستن است که در طول تاریخ ایجاد شده است.

۳- دفاع از سرزمین

سرزمین و محیط جغرافیایی یکی از مؤلفه‌های هویت ملی است که به‌عنوان بستری برای شکل‌گیری سایر مؤلفه‌های هویت ملی عمل می‌کند و سرانجام حس هم‌گرایی ملی را در میان افراد جامعه ایجاد می‌کند. مهم‌ترین نقش سرزمین در این مقوله، هویت‌سازی و تداوم بخشیدن به موضوع هویت ملی است. سرزمین جزو مؤلفه‌هایی است که همواره از عناصر اصلی هویت‌ساز است؛ هایدگر جغرافیا را عامل بنیادی هویت ملی می‌داند و معتقد است که هویت به واسطه‌ی پیوند هستی‌شناختی انسان به خاک و ریشه‌های بومی‌اش تعریف می‌شود و قطع شدن این ریشه‌ها، سبب بی‌خانمانی



و بحران هویت در او می‌شود (معینی علمداری، ۱۳۸۱: ۱۳).

مقوله‌ی هویت ملی در نخستین شکل خود با نوعی احترام به مرزهای جغرافیایی یک سرزمین و پذیرش آن توسط تمامی کسانی که در مرزهای آن سرزمین قرار دارند و هم چنین افراد ملت‌های دیگر که در آن سوی مرزها قرار دارند، تجلی می‌یابد.

در فرهنگ اسلامی، دفاع از جان، مال، زن و فرزند، وطن و سرزمین، شرف، ملیت و استقلال کشور از مقولات مقدس و مورد اتفاق همه‌ی انسان‌هاست. هیچ فرد و هیچ قوم و ملتی تسلیم در برابر تجاوز بیگانگان را نمی‌پسندد. مردم با هر عقیده و آیینی، دفاع از سرزمین خود را امری مقدس و قابل تحسین می‌دانند. در فقه اسلامی، واجب بودن دفاع از سرزمین‌های اسلامی از ضروریات است و فقیهان شیعه و سنی در آثار فقهی خود در مبحث جهاد بدان پرداخته‌اند. مقام معظم رهبری با استناد به این نکته در بیانات خود در دیدار با روحانیون و مبلغان اسلامی فرموده‌اند: «دفاع از سرزمین اسلامی بر آحاد مردم مسلمانان واجب است» (www.vilayah.ir).

دفاع از سرزمین اسلامی، همانا دفاع از اسلام است و یکی از بالاترین ارزش‌ها محسوب می‌شود. رزمندگان اسلام برای دفاع از انقلاب اسلامی و آرمان‌های آن، برای دفاع از دین و سرزمین خود به دفاع از وطن پرداخته و از مرزهای آن دفاع کردند و به موازات دفاع از آب و خاک ایران، از کیان اسلام و نظام اسلامی دفاع کردند؛ زیرا، دفاع از سرزمین، دفاع از حاکمیت آن هم هست. شروع جنگ و اشغال قسمت‌هایی از سرزمین ایران سبب شد تا مردم فارغ از اختلافات دینی، سیاسی، قومی و مذهبی در برابر اشغالگران متحد شوند و مقاومت کنند (ورعی، ۱۳۸۲: ۴۲).

پس از انقلاب اسلامی، هیچ کدام از جناح‌های انقلابی و اصول‌گرا، با ملیت ایرانی خصومتی نداشته و دفاع از سرزمین و مرزهای ایران در طول هشت سال دفاع مقدس، نمونه‌ی بارز دفاع از هویت ایرانی به‌شمار می‌رود. ایرانیان، در طول جنگ تحمیلی بیش از هر زمان دیگری در تاریخ سرزمین خود، از انگیزه‌ی ملی و توان کافی برای دفاع از سرزمین خود در برابر تجاوز بیگانه برخوردار بودند. براساس یک نظرسنجی ۹۵ درصد جوانان کشور می‌گویند به‌عنوان یک جوان ایرانی اجازه نمی‌دهیم یک وجب از خاک کشورمان به دست بیگانگان بیفتد. پژوهش «هویت دفاع از سرزمین» که روی ۷۵ هزار جوان در سراسر کشور صورت گرفته است، نشان می‌دهد که هویت جوانان ایران در

دفاع از سرزمین و کشور خود، در حد بسیار بالا و حدود ۸۹ تا ۹۵ درصد است. براساس نتایج این پژوهش، به اعتقاد ۹۱ درصد جوانان ایرانی، برای بیمه کردن کشور در مقابل تجاوزهای دشمنان باید به عالی‌ترین سطح پیشرفت علمی و صنعتی برسیم (www.hamvatan.com).

۴- شعر دفاع مقدس

هنگامی که یک سرزمین مورد هجوم اقوام بیگانه قرار می‌گیرد، عنصر دفاع در کانون همبستگی ملی ایجاد می‌شود. از این جهت دفاع روی‌کردی است که مردم یک سرزمین در یک موقعیت ملی و آرمانی به پاسداری از مجموعه‌ی داشته‌های خود می‌پردازند. بدیهی است که در مقوله‌ی دفاع باید از تمام توانمندی‌ها و امکانات مادی و معنوی جامعه در بستری زنده و پویا استفاده کرد. هنر و ادبیات از جمله امکانات معنوی و قدرت‌های عاطفی یک ملت است که می‌تواند برای استوار کردن و گسترش روحیه‌ی دفاعی یک ملت به کار گرفته شود. در این زمان سروده‌ها و نوشته‌هایی خلق می‌شود که موضوع اصلی آن‌ها دعوت به مبارزه و پایداری در برابر متجاوزان است. این نوع سروده‌ها و نوشته‌ها را زیر عنوان «ادبیات پایداری» یا «ادب مقاومت» دسته‌بندی می‌کنند. در ایران نیز در طول هشت سال دفاع مقدس و سال‌های پس از آن اشعاری سروده شده است که در حوزه‌ی «شعر دفاع مقدس» قرار می‌گیرند. اشعار سروده شده با مضامین دفاع مقدس آثار گرانقدری هستند که از بهترین اشعار ملی محسوب می‌شوند. جنگ پدیده‌ای است که به همه‌ی ابعاد ذهنی، رفتاری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... بشر مربوط می‌شود.

تاریخ جنگ تحمیلی، بخش عمده‌ای از تاریخ انقلاب اسلامی در ایران است و فرهنگ و ارزش‌های دفاع مقدس نیز بخش مهمی از فرهنگ شعری ما را تشکیل می‌دهد.

شعر دفاع مقدس، زیرمجموعه‌ی ادبیات پایداری است و از نظر مفهومی در حوزه‌ی مسایل اجتماعی قرار می‌گیرد و در پی آن است تا گستره‌ی فداکاری‌های بزرگ مردم مسلمان ایران را برای دفاع از دین و وطن خود نشان دهد. پایداری مردم ایران برخاسته از ارزش‌های اعتقادی آن‌ها است و شعر دفاع مقدس پژواک این ارزش‌هاست.



درباره‌ی سابقه‌ی شعر جنگ باید گفت به‌جز شاهنامه که بخش اصلی رزم‌های آن به حوزه‌ی اساطیر تعلق دارد و نمونه‌هایی که به تقلید از شاهنامه سروده شده‌اند، الگویی ارزشمند از شعر جنگ وجود ندارد تا سرمشق معاصران قرار گیرد (حسینی، ۱۳۸۱: ۹). شعر جنگ در ایران در دو دوره شکل گرفته است: دوره‌ی نخست، شامل سروده‌هایی است که با شروع جنگ و آغاز تجاوز دشمن شکل می‌گیرد و تا روز پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ شورای امنیت ادامه می‌یابد.

بیش‌تر شعرهای این دوره رنگ و بوی شعار دارند و به دلیل جنبه‌ی روایی و لحن گزارشی‌گونه‌ی آن‌ها تخیل و عاطفه در آن‌ها چندان دیده نمی‌شود و استفاده از صنایع لفظی، معنوی و آرایه‌های ادبی در آن کم‌تر دیده می‌شود. واژه‌های معمول این گونه اشعار، خون، شهید، لاله، گل، بهشت و... است. این اشعار بیش‌تر در جراید و مطبوعات کشور چاپ می‌شدند.

دوره‌ی دوم، حاوی اشعاری است که بعد از پذیرش قطعنامه و پایان جنگ شکل می‌گیرد. در این دوره، جامعه به سوی آرامشی نسبی حرکت می‌کند و اندک‌اندک از فضای جنگ دور می‌شود. یکی از دل‌مشغولی‌های شاعران این دوره، مردان جنگی هستند که اینک به انزوا کشانده شده‌اند. این وضعیت اعتراض مردان جنگ را برانگیخت و اعتراض را در شعرهای این دوره وارد کرد. تضادهای ایجاد شده‌ی اقتصادی، اجتماعی، ارزشی و... درون‌مایه‌ی اصلی این‌گونه اشعار است.

برخی از شاعران این دوره، در پی تحلیل و توضیح واقعیت‌های اجتماعی برمی‌آیند؛ از این‌رو شعر مقدس امروز را یک ایده، تفکر و فرضیه‌ی اجتماعی می‌توان محسوب کرد.

از بُعد فرهنگی، شعر دفاع مقدس در این روزگار، به دلیل ویژگی‌های خاصی که نسبت به سایر مقوله‌های فرهنگی و هنری دارد، بیش‌ترین حضور، گستردگی، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری و هم‌دلی را با لحظه‌های پرنشیب و فراز دفاع مقدس داشته و محمل و مرجع مناسبی را برای آیندگان که تحقیق پیرامون شکل‌گیری فرهنگ دفاع را دنبال می‌کنند، فراهم نموده است.

نسبت میان شعر و هویت

شعر به‌عنوان یکی از حلقه‌های با اهمیت هنر و فرهنگ ایرانی همواره یکی از عناصر هویت‌ساز بوده و بارزترین کوشش برای انتقال مقولات تاریخی، فرهنگی،

اجتماعی و... به جامعه محسوب می‌شود. هم‌چنین شعرای امروز، به خاطر توجه خاصی که به مبانی هویت ایرانی دارند، سعی می‌کنند با بازسازی این مبانی از زاویه‌ی دید و شناخت ویژه‌ی خود و با استفاده از عنصر تخیل و عاطفه، صورتی پایدار و شکوهمند از عناصر هویت ایرانی خلق کنند. بنابراین، شعر در سراسر حیات خود در این سرزمین، تمام دگرگونی‌هایی را که در جریان تحولات اجتماعی به‌وقوع پیوسته است، با دقت و حساسیت زیاد ثبت کرده و آرمان‌های انسان‌دوستانه را که در محیط جغرافیایی ایران‌زمین شکل گرفته است، بازتاب می‌دهد.

شعر، برای هویت‌سازی بیش‌تر، از اسطوره و تاریخ استفاده می‌کند که دو گونه تجربه‌ی متفاوت برای ایرانیان محسوب می‌شوند. اسطوره را می‌توان حاصل تجربه‌های تاریخی دانست که یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های هویت ایرانیان به حساب می‌آید. شاعران ایرانی، افکار و تجربیات خود را که در طول تاریخ کسب کرده‌اند، به نسل‌های بعدی خود انتقال می‌دهند. آنان با بهره‌گیری از غنا و عمق فرهنگ ایرانی به خودباوری نسبت به «خود» می‌پردازند و به خوانندگان اشعار خود می‌گویند که این ما هستیم که چنین افکار و عواطف و محتویات غنی و عمیقی را پدید آورده‌ایم. بنابراین، با طرح محورهایی که جوهر هویت ایرانی را شکل می‌دهند، سبب دل‌بستگی مردم به هویت ملی و دینی خود می‌شوند.

از سوی دیگر، می‌توان شعر ایران را قله‌ای بلند دانست که نماد بزرگ‌ترین حجم فرهنگ و هنر سرزمین و تمدن دیرپای ایرانیان است. شعر ایران با گذشته‌ی پرشکوه و وضعیت کنونی قابل‌اعتنای خود، می‌تواند با توجه به گستره‌ی جغرافیایی زبان فارسی و هم‌چنین با استفاده از ترجمه‌ی این آثار به زبان‌های دیگر، مبانی هویت ایرانی را به صاحبان ذوق و هنر در سراسر جهان معرفی کند. هنگامی که کوچک‌ترین ترجمه و بازتابی از شعر فارسی - به‌ویژه آثار کلاسیک - در نقطه‌ای از جهان منتشر می‌شود، جهانیان سعی عجیبی در خواندن و فهم آن دارند. بنابراین، می‌توان با استفاده از این فرصت به معرفی هویت ایرانی به جهانیان پرداخت. از سوی دیگر، شعر نیز مانند سایر عناصر فرهنگی جامعه، نباید از مواجهه با پدیده‌هایی که در قالب «جهانی شدن»^۱ عرضه می‌شوند، هراسی داشته باشد؛ چرا که می‌تواند با بازکردن دریچه‌های تازه به روی



اندیشه‌ها و عقاید ایرانیان، با طرح مؤلفه‌های هویت‌ساز ایران به معرفی ایرانی و هویت او در ادبیات جهانی بپردازد.

بنابراین، شاعر همواره با کمک از بن‌مایه‌های فرهنگی، اسطوره‌ای و تاریخی، هویت ملی خویش را اعلام می‌نماید و با مجموعه‌ی دانستنی‌های خود، به معرفی پایگاه و حافظه‌ی تاریخی هویت ایرانی در گفتمان‌های بشری مشارکت می‌جوید و از این راه به ایفای نقش شعر به‌عنوان یکی از عوامل هویت‌بخش تفکر ایرانی کمک می‌کند؛ تفکری که فرهنگ ایرانی، ذخیره‌ی ارزشمند هویت‌ساز آن بوده و نشان شخصیت تاریخی مردم ایران است.

(ب) هویت ملی در شعر دفاع مقدس

ایران نیز مانند کشورهای دیگر که مسأله‌ی تجاوز به آب و خاک خود را تجربه کرده‌اند، در هشت سال دفاع مقدس تجربیات زیادی را کسب کرده و مضامین گوناگونی را در اختیار شاعران قرار داده است؛ ازجمله مضامین اشعار دفاع مقدس می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

دعوت به مقاومت و تشویق به دفاع از سرزمین اسلامی؛ استفاده از فرهنگ تشیع و نمادهای دینی مانند: عاشورا، کربلا، شهید، حضرت امام حسین(ع) و امام علی(ع)؛ رجزخوانی و تقویت روحیه‌ی قهرمانی و تحقیر دشمن؛ تکریم شهیدان؛ ایجاد روحیه‌ی حماسی و استفاده از ویژگی‌های حماسی؛ لحن و آهنگ تند و کوبنده؛ تصویرپردازی از مقاومت شهرهای میهن در مقابل هجوم بیگانه؛ تکریم از سربازان و مدافعان میهن و... نظر به این‌که جنگ اصولاً مقوله‌ای حماسی و خشونت‌بار است لحن این‌گونه اشعار نیز بیش‌تر حماسی است و هدف نهایی این‌گونه اشعار، پیروزی بر مهاجمان است. احساس یأس و ناامیدی در شعر دفاع مقدس وجود ندارد یا بسیار کم است و همیشه وعده‌ی پیروزی نهایی در آن داده می‌شود (حسینی، ۱۳۸۱: ۲۰).

شعر «جنگ را به خواب ندیدیم» از مهدی رستگار از بیانی تصویری و لحنی گزارشی استفاده کرده است. توصیفات ابتدایی شعر نزدیکی ملموسی با ذهنیت تاریخی شاعر دارد. ایران درگیر جنگی شده بود که شرق و غرب راه انداخته بودند؛ اما غافل از این نکته که ایران، «ولایت توحید است و پرچم سبز خداوند همیشه در آن در اهتزاز است».

شجاعت رزمندگان در صحنه‌های جنگ، مظلومیت مردمان - به‌ویژه در مناطق



جنگی، توصیف شهیدان، دخالت دشمنان خارجی، جنایت‌های دشمنان، داستان‌های مجعول تاریخی، موضع‌گیری‌های ناجوانمردانه‌ی سازمان‌های بین‌المللی در مقابل حمله‌ی عراق به ایران، ازجمله مفاهیمی است که در این شعر استفاده شده است. در کنار موضع‌گیری‌های فکری شاعر، حالات عاطفی کلام او نیز ویژگی خاصی دارد: این دو ویژگی به‌صورت هوشیارانه‌ای کنار هم قرار گرفته و فضا را برای سخن اصلی شاعر - که حفظ و صیانت از وطن است آماده می‌سازد. شاعر در پایان با گریزی زیبا به موضوع وطن باز می‌گردد و حرف دلش را می‌زند:

ما جنگ را به خواب ندیدیم

ما، هشت سال

یا هشت قرن

جنگیدیم

و خون‌بهای آزادی را

- گران‌ترین بها - پرداختیم

معیار جنگ

«نامردی بود»

اتما

مردان مرد این دیار

جان را به هیچ گرفتند

لیک عشق گفتند

و عاشقانه گذشتند

ما هشت سال جنگ را

به تجربه دیدیم

اتما هرگز

بر بام خانه‌ای

یک پرچم سفید به اهتزاز نیامد



آن‌ها

شیران بیشه‌ی ایران را



گویی از یاد برده بودند
 رؤیای کودکانه‌ی مخبط آن «سردار»!
 حتی کودکان را، هم
 به خنده وا می‌داشت
 رؤیای «قادسیه»!!
 - شوخی‌ترین لطیفه‌ی تاریخ -
 گویی «سردار» (!)
 از یاد برده بود
 اینجا ولایت توحید است
 و پرچم خدا سبز است
 آن‌ها نمی‌دانستند:
 «ایران» ویران نمی‌شود
 - شاید کنام پلنگان گردد -
 این جا دیار شهیدان است

□

مردان مرد این دیار
 با دست‌هایی نه چندان پر
 اقا
 - قلبی به سرخی آتش - ایمان -
 و عشق

رؤیای کودکانه‌ی «سردار» را (!)

بر باد دادند

□

مانا ترین نامی، ایران
 ای سرزمین من!
 تو، جاودانه، خواهی ماند

(فرهنگ شاعران جنگ و مقاومت، ۱۳۷۲ : ۱۲۱-۱۲۴)

تکیه بر حفظ کیان ایران‌زمین، دفاع از اقتدار ملی، ایجاد وحدت بین اقوام مختلف و نکوهش اندیشه‌های جدایی طلبانه، از موضوعات دیگری است که در شعر دفاع مقدس به مقوله‌ی هویت ملی می‌پردازد. شاعران در این بخش تجزیه‌طلبان را مورد نکوهش



قرار می‌دهند و رمز جاودانگی ایران را در حاکمیت اسلامی می‌دانند. اقوام مختلف ایرانی، جزئی از اجزای پیکر ایران‌زمین معرفی شده‌اند که بدون نام ایران، هویتی ثابت نخواهند داشت.

کردستان در دهه‌ی نخستین انقلاب، از مکان‌های بحران‌ساز بوده و دخالت‌های دشمنان ایران و اسلام، این منطقه را به کانون تنش‌های قومی تبدیل کرده است. برخی شاعران در این دوره با سرودن اشعار بر موضوع حفظ وحدت و هویت ملی تأکید کردند. حیدر رقابی ازجمله شاعرانی است که با طرح این مسأله به برادران کُرد خود می‌گوید که وطن و دین همه‌ی ما یکی است و جدایی میان ما افسانه‌ای مجعول بیش نیست. او با اشاره به تاریخ پرافتخار گذشته از صلاح‌الدین یاد می‌کند و فتوحات مسلمانان را به یاد می‌آورد که فارغ از تفکر قومی فقط به اسلام فکر می‌کردند. او به برادران و خواهران کُرد هشدار می‌دهد که ما همه برادر و خواهر و پاسدار میهن خود هستیم و باید از دین و سرزمین خود دفاع کنیم:

«صلاح‌الدین می‌آید»

برادر دلیر کرد من، وطن یکی است

کجا دگر سخنی زخانه‌ی «تو» یا «من» است؟

زمین، زمین‌ما زمان، زمان ما است.

هر آن‌چه هست در جهان نشان «ما» است

کجا نشان زتک نشانه‌ی «تو» یا «من» است؟

* * *

دلیر مرد هم‌نبرد!

دوباره رزم ما برای بودن است

برای راه قدس و کربلا گشودن است

صلاح دین و میهن بزرگ را ستودن است

برادرم!

در این دم ستیزها

به گاه پرشکوه رستخیزها

من و تو پاسدار میهنیم

بیا به جبهه، این که آمده است، دشمن است



کنون که دشمن زبون به پا شده است
برادرم کجا دگر زمانه‌ی نشستن است

* * *

برادرم بیا و راه هست گیر
تفنگ خود به دست گیر
میاد آن‌که خصم پست بدگهر
به سوی آشیانه‌ی تو رو کند.

(شقایق‌ها، ۱۳۶۳: ۱۳۶-۱۴۲)

* * *

حراست از تاریخ و فرهنگ ایران‌زمین موضوع دیگری است که در شعر دفاع مقدس مطرح است. شاعران در این‌گونه اشعار، با استفاده از عناصر تاریخی و اسطوره‌ای و شرح دلاوری‌ها و قهرمانی‌های پهلوانان و اشخاص تاریخی، ملی و دینی و با توجه به موقعیت‌های تلخ و شیرین تاریخی به طرح موضوع دفاع گسترده‌ی ایرانیان در طول تاریخ پرداخته و به بازسرایی خاطرات تاریخی دست می‌زنند. تاریخ‌گرایی قوی‌ترین عنصر این‌گونه اشعار است که در عمیق‌ترین و پیچیده‌ترین لایه‌های ضمیر ناخودآگاه جامعه نفوذ می‌کند و وجدان مقدس تاریخی ملت را بیدار کرده و به دفاع از داشته‌های دینی و ملی خود فرا می‌خواند.

طرح الگوهای تاریخی برای برانگیختن حس غرور، دفاع و یکسان‌سازی آن‌ها با شرایط فعلی، مورد استفاده‌ی این دسته از شاعران است تا با تلفیق نمادهای تاریخی و دینی، ارتباط آن‌ها را با انسان معاصر پیوند دهند.

شعر نعمت میرزا زاده و مؤمنی از این دسته اشعارند:

«تا آن سوی کرانه‌ی اروند رود ...»

سیمرغ‌های دامن البرز

بی‌جان زکامجویی اهریمنان

در آب‌های پارس

و شهرهای مرزی کشور

با خنجر هزار خشم فروخورده در گلو

از شانهِ ستبر دماوند

ابر مهیب تندرو و باران مرگ بر سر دشمن شدند

هنگام صبحدمان دیروز
 در کوچه ناگهان
 دیدم غرور زخمی ایران
 در راستای قامت یک افسر جوان هوایی
 شتابناک
 روان بود.
 و آن افسر نبرد رهایی
 سرتابه پای جامه‌ی پروازی‌اش به تن،
 با قامت بلند فرامرز
 با قدرت اراده‌ی سهراب
 بیزار از پلیدی کاووس
 بی‌تاب از شقاوت ضحاک
 در راه پاسداری ایران‌زمین
 می‌رفت تا نثار کند بی‌بهره‌ی جان!
 و اکنون روانه بود باز شتابان
 تا رزم پاسداری میهن را،
 هم با ستبر شانه‌ی سیمرخ خویش
 بال‌گشاید به روی گرده‌ی توفان
 با او به اوج آبی ژرفای آسمان وطن می‌شدم...
 آن‌جا به برج دیدبانی ایرانشهر
 - بالا بلند مادر گیسو سپید
 دماوند -
 تا دورتر کرانه‌ی مرز و بوم را نگران ایستاده است!
 ...
 آن‌جا کنار بستر اروندرود چه‌ها جلوه می‌نمود:
 دریای خلق‌های هم‌وطن شهرهای بندری و مرز
 در زیر ابرهای آتش اهریمنان
 در چنبر هجوم زره‌پوش‌های قوم مهاجم



آنجا برادران هم وطن خویش را نظاره همی کرد،
 کان سان به پاسداری این آب و خاک پاک
 به جان ایستاده‌اند
 وز هر وجب به جنگ و به دندان خویش نگهبانند!

...

اکنون هزار خاطره از ایران
 اکنون هزار نسل ز تاریخ کشورم،
 در این نبرد پاسداری میهن به جبهه می‌جنگند؛
 وین لشگر ذخیره‌ی تاریخی،
 سد عظیم پشتیبانی این رزم میهنی است!

...

باز من او را دوباره خواهم دید!
 فردای روزهای فراغت ز دشمنان در مرز،
 - در کار بازسازی ایران سربلند -
 یا هم‌چنان ستاره‌ی سرخی،
 بر پرچمی که به پیروزی نهایی برافراشته است (۱۳۵۹ تهران).
 (هزار و یک شعر، ۱۳۷۸: ۴۱۰-۴۱۵)

«ایران در آتش»

بر ساحلت دزدان دریایی
 آواز می‌خوانند

ایران در آتش
 بر خاک تو صد قوم هم‌پیوند
 یک پرچم و یک جان به کف دارند
 نام سرودت: دین محرومان
 وزنش طنین رعد کوهستان
 گل واژه‌هایش خون
 آواز خوانش سی و شش میلیون
 ایران در آتش!
 از سایه‌ی قرآن گذر کردیم



بر سایه‌ها مان آب پاشیدند
در حلقه‌های اشک و گل رفتیم
آلاله‌ی کوه و کمر گشتیم
در جعبه‌ی تابوت برگشتیم

ایران در آتش
وقتی درفش سبز پیروزی
بر کوه‌های شعله‌ور گردد
وقتی شب سحر گردد
از عاشقان کشته‌ات یک دم
یادآور این زیبای لیلی‌وش
ایران در آتش

(شعر جنگ، ۱۳۶۲: ۲۰۸ - ۲۱۱)

دین، در کشور ما از مهم‌ترین عوامل ایجاد اقتدار در جامعه است. به همین سبب دفاع از اسلام، دفاع از هویت ملی نیز خواهد بود. دین اسلام و مذهب شیعه، در عمق مبانی هویتی ایرانیان ریشه داونیده است. مضامین مذهبی در آثار شاعران دفاع مقدس به مفاهیم مشخصی هم‌چون نمادهای فرهنگ تشیع از قبیل عاشورا، شهید، ایثار، بهشت و... خلاصه می‌شود. این شاعران با استناد به حدیث «حب الوطن من الایمان» سبب نزدیکی اندیشه‌های دینی و ملی می‌شوند. در این اشعار، آفتاب شرع، گرمی‌بخش جسم و جان ایران است و عزت و شوکت ایران در سایه‌ی اسلام شکل می‌گیرد این اشعار، سرشار از مایه‌های اعتقادی و باورهای اسلامی است. تمامی شعارها و سرودهایی که در جبهه‌ی جنگ برای تقویت روحیه‌ی رزمندگان استفاده می‌شد، برگرفته از مضامین مقدس دینی و آرمان‌های ملی بود. این امر مقاومت در برابر دشمن خارجی را سامان داد و سبب حفظ تمامیت ارضی این سرزمین شد. بسیاری از باورهای ملی با اندیشه‌های اسلامی هم‌آهنگ شده و در وجود انسان ایرانی به بار نشست. بنابراین، شعر دفاع مقدس سبب آشتی بین ملیت و مذهب شد که دولت در موضوعات سیاسی و اجتماعی به دنبال آن بود. وجود تفکر دینی و دفاع از آب و خاک وطن، دو مقوله‌ای بود که در کنار هم در شعر دفاع مقدس ایجاد شد و به تحکیم مبانی هویت و باورهای مذهبی انجامید. شعر دفاع مقدس برگرفته از دو واژه‌ی «دفاع» و «مقدس» است: دفاع



ناظر بر جنبه‌ی ملی و مقدس ناظر بر جنبه‌ی دینی هویت ایرانیان بوده و بر روی هم در افزایش روحیه‌ی سلحشوری در میان رزمندگان و مقاومت کردن نقش به‌سزایی را ایفا کرد.

اقلیت‌های دینی ایران نیز با تعالیم الهی برگرفته از دین خود، عمق دلبستگی خود را با دادن شهیدان زیادی در دفاع مقدس آشکار ساختند، آنان در دفاع از ایران اسلامی، دوشادوش برادران مسلمان خود در صحنه‌های جنگ درخشیدند و با خون پاک‌شان در پاسداری از عزت و شرف مردم کشورمان سنگ تمام گذاشتند.

شعر «بوی بهشت» از «زهرا پناهی» نشان دهنده‌ی استفاده از مفاهیم دینی برای دفاع از هویت اسلامی ملی هویت ایرانی است:

بوی بهشت می‌دهد آن چفیه‌ی سفید	وقتی که باز می‌شود از گردن شهید
از بین حرف‌های پراز رمز و راز او	نبض صدای فاطمه را می‌شود شنید
وقتی نظر به خاک وطن کرد اجنبی	تا مرز عشق و عاشقی و تا جنون رسید
حتی بهشت و روزی بس جاودانه را	با خون خود ز حضرت عزوجل خرید

(www.defaemoghaddas.com)

شعر «صدام، صدام» از جعفر حمیدی نیز ناظر بر این ویژگی است:

صدام، صدام
خون آشام
ای وارث قبایل بدنام
در سرزمین شیردلان می‌تازی؟
این بیشه خوابگاه شغالان نیست.
ما بارگه خلیفه‌ی بغداد را
با چهره‌ی گداخته‌ی خویش
بر تختگاه ظلم و شقاوت لرزانده‌ایم
ایران، نه شعله‌ای است که صدامیان
با پشت آستین شرارت بزدایند،
ما وارثان حشمت قرآنیم
ما وارثان خون دلیرانیم
صدام، صدام
بیهوده در کُنام پلنگان می‌تازی

ما جنگ روبه‌ان و شغالان

بسیار دیده‌ایم.

با خون وضو گرفته

به پیکار دشمنان وطن رفته‌ایم

ایران، همیشه پایدار خواهد ماند

(نقد و تحلیل شعر دفاع مقدس، ۱۳۷۷: ۱۰۲)

بزرگداشت و تکریم شهیدان میهن که جان خویش را در راه پاسداری از دین و کشور خود فدا کردند نیز از دیگر مضامین شعر دفاع مقدس است. سیمین بهبهانی از جمله شاعرانی است که با احساس لطیف مادرانه نقش شهدا را برای حفظ وطن و هویت ایرانی، نقش اصلی و دیگر نقش‌ها را فرعی می‌داند. او معتقد است که ما «شعرا» جز سردادن آه و ناله کار دیگری نکرده‌ایم و ایران زمین به واسطه‌ی فدا شدن جان‌های جوانان است که پاینده و جاوید مانده است.

«بار بر دوش آنهاست»

بار بر دوش آنهاست	آه! آری، همان‌ها:
پاک‌ها، نازنین‌ها	خوب‌ها، مهربان‌ها
گرچه بودند و هستند	خسته‌ها، ناتوان‌ها
ما چه کردیم، باری	ناله‌یی، شکوه‌واری
شد وطن زنده اما	زان جوان‌ها و جان‌ها...

اردیبهشت ۶۱

(مجموعه‌ی اشعار سیمین بهبهانی، ۱۳۸۲: ۷۲۱)

«خط سرخ»

از خط سرخ کدام قبیله آمدی

که جویبار خونت

خاک «خونین شهر» را، ارغوانی کرد؟



با من بگو

صدای «الله اکبر» تو

از گلدسته‌های خونین کدام شهر می‌آید



که نسیم نورس آوایت،
بوی شهادت می دهد؟

به سجاده خونین وطن نماز کن
تا اقتدا کنیم
نماز سرخ شهادت را
ای دوست

اندیمشک - ۶۲

(اکبر بهداروند، ترانه‌ی آب، ۱۳۶۹: ۳۳ و ۳۴)

نقش جنگ در ترویج اندیشه‌های میهن‌دوستی مبتنی بر دین‌داری و تکریم پاسداران دین و میهن بر هیچ‌کس پوشیده نیست. شعر «وطن‌دوستی» از علی باقرزاده در وصف حامد خویی، بخشدار شهید هویزه سروده شده است. به او گفتند شهر را ترک کن که دشمن آمد. گفت: اگر چنین کنم، زن و فرزندم نگذارند. در پشت میز خود در اتاق کارش ماند تا به همراه زن و فرزندانش شهید شد:

ترک‌کن شهر خویشتن را زود	بخشدار هویزه را گفتند
آمده در کنار شهر فرود	خیل صدامیان کافر کیش
کس ندارد در این دیار وجود	جز تو و چند پاسدار جوان
ورکنی جنگ می‌شوی نابود	گر بمانی اسیر خواهی شد
رخت خود می‌فکن به آن سوی رود	زن و فرزند خویش را برگیر
چاره‌ی دیگری نخواهد بود	غیر تسلیم یا فرار تو را
فرد، تا این حدیث تلخ شنود	هم‌چو اسپند برجهید زجای
نکنم، گر کنم زجان بدرود	گفت: من ترک آشیانه‌ی خویش
مادر از من رضا نخواهد بود	گر سپارم وطن به دست عدو
کنم از آشیان خود بدرود	نگذارند همسر و پسر
رهگذر مرا کند مسدود	دخترم با دو دست کوچک خویش
سرنیارم به پیش خصم فرود	تا که خون در رگ است و جان در تن
نهراسم ز تیر و آتش و دود	می‌ستیزم به ناخن و دندان
یا شوم کشته در ره مقصود	یا کنم خصم را برون ز وطن
جز تنی سرد و نقش خون‌آلود	روز دیگر ز بخشدار نماند
خفته در خون خود ولی خشنود	آن طرف‌تر دو کودک و یک زن

پیک مسعود کردگار ودود
آفرین باد بر چنان موجود
(نقد و تحلیل شعر دفاع مقدس، ۱۳۷۷: ۱۹ و ۹۰)

گفت: حب الوطن من الايمان
آفرین باد بر چنان ايمان

نتیجه گیری

پیوند عمیق شعر با فرهنگ مردم این سرزمین از دیرباز تاکنون بر هیچ کس پوشیده نیست و حضور شاعران در همهی مراحل رشد و بالندگی تا واپسین دم حیات همراه با لحظه های زندگی ملت ایران بوده است.

یکی از مباحثی که هویت ملی یک سرزمین را به چالش کشانده و آن را با تهدید مواجه می سازد، مسأله ی تجاوز به مرزهای یک سرزمین و اشغال آن می باشد: هنگامی که مردم یک سرزمین مورد هجوم بیگانگان قرار می گیرند، عاملی واکنشی، آنها را به دفاع از سرزمین خود برمی انگیزد. شعر دفاع مقدس ازجمله عواملی است که سبب تقویت انگیزه ی دفاعی مردم مسلمان ایران شد. این اشعار به مجموعه سروده هایی گفته می شود که با موضوع دفاع از دین و سرزمین ایران سروده شده است. درون مایه ی بیش تر این اشعار، تشویق مردم به دفاع، تکریم مدافعان میهن، ترسیم افق های روشن پیروزی و تحقیر و تهدید دشمن می باشد و اصلی ترین هدف این سروده ها نیز ایجاد روحیه ی سلحشوری درمیان مردم است تا انگیزه ی آنها برای حفظ وطن، افزایش یابد. روایت شاعران از حوادث جانگداز دوران جنگ، رنج ها، دردها و دلهره های روزها و شب های اندوهناک جنگ را به تصویر کشیده است. شاعران، هم سو با جریان های سیاسی و اجتماعی مردم ایران، با آنها هم صدا شده و در طیفی گسترده به انتقال مفاهیم و ارزش های خود و جامعه می پردازند.

توصیف جنگ در ادبیات انقلاب برای برانگیختن حس دفاع از طریق یادکرد حماسه های خلق شده توسط رزمندگان مسلمان ایرانی است که دیگران را به دفاع ملی از وطن و دین برمی انگیزاند. گرایش شعرای معاصر - به ویژه شعرای انقلاب اسلامی - به عناصر و مؤلفه های هویت ملی ایرانی بسیار متفاوت است و هر کدام به سبب علاقه و دل بستگی به مؤلفه یا مؤلفه هایی، آنها را در شعر خود انعکاس داده اند. می توان گفت تنها مؤلفه ای که بیش تر شاعران معاصر ایران بر روی آن اتفاق نظر و وفاق دارند، مؤلفه ی سرزمین به عنوان مهم ترین رکن هویت ساز می باشد. میزان تعلق خاطر شاعران



به سرزمین مادری به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت ملی ایران حایز اهمیت بسیار است. آن‌ها با تلفیق تفکر ایرانی با اندیشه‌های اسلامی، به‌ویژه فرهنگ شیعه و نمادهای عاشورایی، هویتی مستقل برای شعر جنگ خلق کردند. شاعران با معرفی کردن دشمن به عنوان دشمن اسلام و قرآن، به دفاع از میهن صبغه‌ی دینی دادند و دفاع از وطن را دفاع از دین و قرآن دانستند.

خلاصه‌ی کلام این‌که: طرح مباحث مربوط به هویت ایرانی در شعر دفاع مقدس، سبب ترویج اندیشه‌های میهن‌دوستی مبتنی بر دین‌داری در میان ایرانیان شده است. اندیشه‌ای که موجب حفظ کیان وطن و ایجاد اقتدار و همبستگی ملی در میان ایرانیان می‌شود.

منابع :

- ۱- اکبری، منوچهر (۱۳۷۷): *نقد و تحلیل شعر دفاع مقدس*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۲- پریجانیان، ماری (۱۳۷۱): *فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۳- بهبهانی، سیمین (۱۳۸۲): *مجموعه اشعار*، تهران: نگاه.
- ۴- بهداروند، اکبر (۱۳۶۹): *ترانه آب*، تهران: برگ.
- ۵- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱): *هویت اجتماعی*، ترجمه ی تورج احمدی، تهران: شیرازه.
- ۶- حسینی، سید حسن (۱۳۸۱): *گزیده ی شعر جنگ و دفاع مقدس*، تهران: سوره ی مهر.
- ۷- رقابی، حیدر (۱۳۶۳): *شقایق ها*، تهران: کمیته وحدت.
- ۸- رواسانی، شاپور (۱۳۸۰): *زمینه های اجتماعی هویت ملی*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ۹- سپانلو، محمدعلی (۱۳۷۸): *هزار و یک شعر*، تهران: قطره.
- ۱۰- شعاری نژادی، علی اکبر (۱۳۷۵): *فرهنگ علوم رفتاری*، تهران: امیرکبیر.
- ۱۱- لک، منوچهر (۱۳۸۴): *ایران زمین در آئینه شعر فارسی*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- ۱۲- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۱): «تجلی وجدان تاریخی در بوم: هایدگر و سرچشمه های تاریخی - مکانی هویت» *فصلنامه ی مطالعات ملی*، شماره ی ۱۴، صص ۲۸-۹.
- ۱۳- نجف زاده بارفروش، محمدباقر (۱۳۷۲): *فرهنگ شاعران جنگ و مقاومت*، تهران: کیهان.
- ۱۴- ورعی، سیدجواد (۱۳۸۲): «مبانی فقهی دفاع از سرزمین های اسلامی» *مجله ی حکومت اسلامی*، سال ۸، شماره ی ۲۸، صص ۷۱-۴۲.
- ۱۵- وزارت ارشاد اسلامی (۱۳۶۲): *شعر جنگ*، تهران: اداره کل تبلیغات و انتشارات.
- ۱۶- <http://www.hamvatansalam.Com/news۱۰۴۱۳.html>.
- ۱۷- <http://www.vilayah.ir/pr/bayanat/speeches/۷۷/۷۶-۷۷۰۲۶.htm>.
- ۱۸- <http://www.defaemoghaddas.com>.
- ۱۹- <http://www.Khamenei.ir/FA/speech/detail.jsp>.